



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



نگارگر

۲۰۲۱/۰۴/۰۷

دربارهٔ ابتذال سیاست

شکی نیست که سیاست در دیار ما مبتذل شده است. میدانیم که سیاست علم است. علمی که از محضر استاد باید زانوزد و آموخت و آنچه را آموخته است در عمل باید تجربه کرد و سیاستمدار شد. اما در جوامع کم سواد سیاست شاهد بازاری میشود و به دست کسانی می افتد که نه در محضر استاد زانو زده اند و نه تجارب سیاسی اندوخته اند. طبیعی که علم طبابت نیاموخته باشد و طبابت کند بیماران خود را از نعمت زندگانی محروم میکند اما مردی که علم سیاست نیندوخته باشد و ناگهان سیاستمدار شود سیاست را مبتذل میکند.

این مقدمه را با خود داشته باشید تا مقصود را برای تان بگویم. میدانیم که در دیار ما کار نویسندگی و شاعری هم سخت زار است تا بدانجا که حتی در مورد باسواد بودن برخی نویسنده ها نیز میتوان شک کرد اگر دیدی که یکی اصلاً را **اصلن** و یا حتی **اسلن** می نویسد قبول کن که برخی ها در املا و انشای خود انقلاب کرده اند و یکی از سیما های این انقلاب گریز از کلمه های عربی است و نویسنده پارسی گرایی کرده است. اگر دیدی که نویسنده دیگر تشکر نمیکند و «تشکری» می کند اینها همه رابرایش ببخش که سیماهای گوناگون همان انقلاب ادبی است. اما اگر دیدی که نویسنده انقلابی تپیدن فارسی را تپیدن می نویسد اینجا دیگر می بینی که برخلاف میل باطنی خود نویسنده پارسی را عربی کرده است. من معمولاً نوشته های آنانی را که نادرستی های املائی و انشایی فراوان دارند نمیخوانم.

اما نویسنده های بسیار خوب هم داریم که میتوانند به نیروی فصاحت و بلاغت خویش دست خواننده را بگیرند و در کوچه های نثر و نظم خود بگردانند.

من مدتی بود که طنز های جناب حنیف رهیاب رحیمی را در افغان-جرمن آنلاين و آریانا افغانستان آنلاين میخواندم؛ می خندیدم و لذت می بردم و او را در کارش آدمی وارد میدانستم و وقتی که مُرده داد که برخی از طنز های خود را به دست چاپ سپرده و پی.دی.اف نیز کرده است از جناب شان تقاضا کردم که یک نسخه پی.دی.اف برای من نیز بفرستد. زود آنرا فرستاد. عنوان این مجموعه «دیوانه ها» است و من که از کودکی دیوانه ام میخواندم پنداشتم که در میان این همه دیوانه حتماً خود را نیز خواهم یافت؛ به هر صورت این مجموعه گنجینه ای است که ساعت ها شمارا میخنداند و ملتفت میشود که این اثر از دیدگاه تنوع موضوعات بسیار جالب است. وقتی آن همه را با زبان طنز زیبای جناب رهیاب میخوانید ناگهان درمی یابید که سراسر زندگانی ما افغانها طنز است و هیچ چیز برای ما جدی نیست. او در این مجموعه بر دعوتهای ما؛ بر جر و بحث های ما که منجر به پنداندن رگ های گردن میشود؛ دربارهٔ سرود ملی و حتی دربارهٔ پتلون کرایه نیز صحبت کرده است و این مجموعه میتواند بهترین مؤنس و همدم یاران همدل باشد که دوره هم گرد آمده اند و میخواهند بخندند. من تنوع مباحث و رسایی به مقصود را در این کتاب بسیار برانزده می بینم. گفته اند پاریس را ببین و آنگاه بمیر و من میگویم پاریس را ببین و این کتاب را بخوان و آنگاه به فکر مُردن بیفت.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

نخستین دیوانه این کتاب مردی به نام کاکا صدرو است که سیاستمدار میشود و یک رشته ماجراها برایش اتفاق می افتد و تنها در دیوانه خانه می فهمد که هرچه هوشیار است در همانجا گردآمده اند و در میان شان یکی هم دیوانه نیست که به سیاست پردازد. سفر هندوستان هم بسیار جالب است که آنجا در مزار خواجه اجمیر کیسه مامایش را کیسه بُر ظالم میزند (چنانکه کیسه بُران ظالم عین این کار را در خانه خدا نیز میکنند.) من نمیخواهم با صحبت بیشتر درباره کتاب به لطف مطالعه دیگران صدمه بزنم.

برای جناب رهیاب رحیمی تهنیت میگویم و امیدوارم که من نیز مجموعه دیگران شان را بخوانم و آنگاه بمیرم. والسلام نامه تمام.
نگارگر ۷ اپریل ۲۰۲۱ برمنگهم